

## نویا کهنه؟!

منطق نوخواهان؛ چرا بیراهه میروند! متدین-  
نماهسا! اینها دیگر چرا بیراهه میروند؟ بالاخره نویا  
کهنه! منطوق قرآن -

در میان مردمی که رشد فکری و عقلی کامل ندارند، دینی توانند برانگاشتهای خود تصمیم بگیرند و زندگی را از راه صحیح آن طی کنند. گرفتارهای اجتماعی و بلاهای اخلاقی فراوانی دیده می شود که کار اصلاح را برای رهبران واقعی اجتماع سخت مشکل و بشرنج می نماید.

چندین بار میان افراد یک جامعه، اخلاق منقاد و متناقضی دیده میشود که با کمال تعجب، هر دسته ای طرفدار روش هستند و هر کدام هم برای انتخاب راه خود دلیلی دارند، برای نمونه جامعه خودمان را ملائطه فرمایند، مدت زمانی است در اجتماع ما، البته در میان طبقات عوام و کم اطلاع حدود سه بنام متدین و قدیمی در مقابل هم صف کشیده اند و گاهی دسته دوم آب و روغن دینی بخود میدهند، آن دسته باین دسته می تازد و این گروه آن گروه را بیاد انتقاد می گیرد.

اما حقیقت امر این است که نه دسته دوم از دین بمعنای واقعی آن خبری دارد و نه متدین دینی تمدن را خوب درک کرده است. *شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*  
متدین هر چه را اروپا پسندید، می پسندد، و کار خوب و بد آن ندارد، به محظوظندگانی خود توجه نمی کند، و شرایط آن را در نظر نمی گیرد، بر خلاف آب و هوای کشور خودش (که به منطقه نیمه استوایی است) غذای بخورد چون اروپایی (که آنهم یک منطقه نیمه قطبی است) آن جو غذای بخورد، لباس بپوشد چون اروپایی آن طرز لباس را پوشیده است بر خلاف مقتضیات طبیعی کشور خویش ساختمان می کند، و بناهای چندین اشکوبه می سازد و در آبادتمانندگی می کند، چون اروپایی بواسطه نداشتن زمین و بلاوه اقتضای آب و هوا، آسمان خراش ساخته و در آبادتمان زندگی میکند.

کنار دریا می رود و در منطقه گرمسیر بر خلاف بهداشت خود حمام آفتاب میگیرد، چون

اروپائی سره سری که کمتر رنگ آفتاب میبیند؛ حمام آفتاب میگیرد، بدین و مذهب پشت پا میزند، چون اروپائی که بمذهب سخیف خود پشت بازده است حقایق و خرافات میدانند، و خود غرق منجلا ب خرافات میشود، چون اروپائی بخرافات پانداست عدد سیزده رانجس میدانند، و آنرا ۱۳ + ۱ می نویسد چون اروپا عدد سیزده بیچاره را طرد کرده؛ و از هر گاه اعداد خارج نموده است، داشتن عفت، حجاب و تقوی را برخلاف شئون زن روز ۱ می بیند، و هرگز وی می گاری را از اصول مسلم آزادی انرفس میکند، تعدد زوجات و ازدواج موقت را بر مبنای صحیح، ظلم و جنایت میدانند ولی داشتن چندین رفیق و رفیق و رابطه با مشر و سرود خنجر را بنام گرل فرند، و بوی فرند ترویج میکند و برایش حاشیه قریب میدهد، تازه وقتی هم باز به پیروی از غریبهها که اخیراً بسوی مذهب رو کرده اند اگر خود را نیازمند مذهب و اخلاقی به بینند، منتظر است غریبهها چه بگویند، و خاورشناسان چه نویسند، کتابی برای او بسند است که غریبی نوشته باشد، و یا خاور شناس آنرا تصدیق کرده باشد، جغرافیای و وطنش؛ تاریخ مملکتش، بیوگرافی پیغمبر و اصاهش را باید شرق شناس بنویسد تا نو باشد، کار بجالی میرسد که زننده ترین عکسها و تمثالها رایه پیغمبر و امام نسبت میدهند؛ بنام آنکه اصلش در عوزههای ایتالیا و لندن ضبط است و بیمایه ترین نوشتهها را در خود تعریف و تمجید می دانند چون پروفیسور فلان برشته تحریر در آورده است اینها نویسنده نام بشرطی که از غرب آمده باشد.

### منطق ایندسته

استدلال ایندسته این است که: عتر به ساعت بعقب بر نمیگردد، کاروان تمدن از حرکت بازمی ایستد، همیشه باید پیش رفت؛ آداب کهن را دور انداخت، از عهد پیروی کرد، بخصوص که آورندند و معد پرداز اروپائی باشد که در علوم مادی پیش رفته، ماشی ساخته، موثک اختراع کرده، راه راسوی فضا هموار نموده، لایه هر چه بگوید درست میگوید، و هر چه فکر کند درست فکر میکند.

### چرا ایراهه میروند؟

بگمان ما علت اصلی اشتباه ایندسته را در سه چیز بایستی جستجو کرد: ۱ - عدم درک نکردن مسائل اجتماعی را بطور صحیح ۲ - پی بردن با اشتباه متدین تماما در بعضی از موارد ۳ - حس تقلید و خود را از هر جهت شبیه دانستن، و غریبی ها را از هر جهت تقوی فرض کردن، و بالتبع

دینالده روی از ایشان که بخواست خدا در موقع مقتضی بایستی درباره هر یک از این سه عامل **مفصل بحث کرد.**

### متدین نصاب

متدین نصاب هر نوی را سلالت میداند، و هر تازه ای را گمراه می شمارد، و شرالامور **معدنات آنها!** میخواند؛ سعی و کوشش برای رسیدن بیک زندگی آبرومند را دنیا خوانی دانسته خلاف زهد و تقوی می شمارد، بعلم صنعت بظنر بدبینی مینگرد، نظم و ترتیب را امور و داشتن دیسپلین صحیح را که مورد توجه کامل دین و مذهب است چون بدان عادت نکرده بدعت میدانند، و هر چه را که درباره آن یک جمله عربی و لوبدون هیچ مدرک شنیده باشد وحی منزل می شمارد، بین صحیح و مستقیم، فرقی نمیکند، مستحبات را برواحیات مقدم میدارد، ارتکاب هر گناه گناه است و اتصال هر آلت اهلوی را برای عزاداری جایزه می شمارد، و با خواری که قرآن آنرا تنبیه با خدا و رسول میداند حلال میکند، ولی زیارت امامزاده داود را واجب میدانند، حقایق را میگذارند، و خرافات را میگیرند، و در مسجدش از آب آلوده وضو می سازد، دلر هزاران تومان صرف کاشیکاری آن میکند، هزاران پیرایه بدین مینیند، و شرفاتی را بنام مذهب ترویج میکند.

### اینجا چرا ایراهه میروند؟

علت اصلی اشتباه ایندسته را نیز میتوان سه چیز شمرد باین شرح: ۱ - عدم درک صحیح مذهب بدین، پی بردن به مقصود انبیا ۲ - پیروی از عادات و رسوم ۳ - ضعف دستگاه تبلیغی و ناسامان بودن آن، که درباره این سه علت نیز بایستی مفصل بحث شود.

### با آخره نویا کهنه!

قرآن میفرماید: هرزه باد بآن بندگان که حرفها را می شنوند و آنرا که بهتر است و با خرد و سازگاری پیروی می کنند، اینانند که خدایشان هدایت فرموده، و ایشان خردمندانند (۱) پس این اسلام میگوید: نه نو؛ و نه کهنه؛ حق و منطقی، هر کجا حق و منطقی بود باید پیروی کرد خواه نو و خواه کهنه، اگر بنا باشد هر کهنه ای متردک شود، باید پایه های علوم عقلی و نقلی که با اصول صحیح گذشته استوار است، یکبار و واژگون شود، و بشر در جهل و گمراهی میماند، اگر بنا شود تمام اصول اخلاقی کهن در همه شئون زندگی بشر پشت سر گذارده شود، انسانی نشرماند تا نو پرداز باشد و یا کهنه پرست، و اگر قرار باشد با هر نوی مخالفت شود هیچ ترقی و تکاملی برای بشر پیش نمی آید، بنا بر این نه نو و نه کهنه بلکه حق و منطقی.